

فقر فزاینده در امریکا

شباهنگ راد

براستی که این چه جامعه‌ای است دولت‌مردان امریکایی برای میلیون‌ها انسان محروم ساخته‌اند؟ یک ششم از جمعیت این کشور در زیر خط فقراند و یک ششم دیگر آن، فاقد بیمه‌های درمانی‌اند. بیش از پانزده میلیون نفر هم بیکاراند و هزاران کودک در خیابان‌ها در پی لقمه‌ای نان می‌باشند و فحشاء دارد در ثروت‌مندترین کشور جهان بیداد می‌کند.

این "نظم نوینی" است که سردمداران امریکا در پی آنند و به عبارتی حقیقی‌تر باید گفت که این‌ها رسوبات و نمودارهای مناسبات گنبدیده‌ی سرمایه‌داری است که دارد این‌گونه تجلی خود را در سطح جامعه به نمایش می‌گذارد. همه‌جا این‌چنین است و همه‌جا سرمایه‌داران بر شتاب استثمار و جنایت‌کاری‌های‌شان افزوده‌اند و دارند بار بحران دائم‌التزایدشانرا با تعرض به معیشت کارگران و زحمت‌کشان پاسخ می‌دهند. بنابه به آمار و ارقام منتشره از دم و دستگاه‌های امریکائی طی هشت ماه گذشته بیش از نیم میلیون نفر بیکار شده‌اند و در انتظار تخریب زندگانی هر چه بیشتر خوداند. سؤال این است که آیا انسان مستحق چنین زندگی نکبت‌باری است؟ کدام فلسفه و منطقی می‌تواند بخود بقبولاند که هفت‌صد تن از سرمایه‌داران امریکائی مجازاند تا سرمایه‌ی نزدیک به نیمی از جمعیت این‌کشور - یعنی صد و پنجاه میلیون نفر - را در دستان خود قبضه نمایند؟

آری در چنین مناسبات و جوامعی درآمد پائینی‌ها روز به روز دارد کاهش می‌یابد و در عوض درآمد بالائی‌ها افزوده می‌گردد. حاکمان و ظالمان دارند به یمن زور و سرکوب و سر نیزه و با تحمیل سیاست‌های ارتجاعی‌شان به میلیون‌ها انسان جامعه‌ی خودی و دیگر جوامع، سیاست‌های‌شانرا به پیش می‌برند و بر سرمایه‌های نجومی خود می‌افزایند. به جای سازندگی و شکوفائی جامعه دارند جنگ به راه می‌اندازند و بر خرابی‌ها و ناامنی‌ها می‌افزایند. در حقیقت تعرض افسار گسیخته‌ی جهان سرمایه‌داری و بویژه دولت‌مردان امریکا به میلیاردها انسان محروم پاسخی‌ست به اوضاع در هم ریخته کنونی.

به بیانی باید گفت که امروزه جهان در مرحله‌ی آزمایش و وحیمی قرار گرفته است. بحران و رشد تصاعدی بیکاری در سرتاسر دنیا و به تبعی آن عدم تقاضای کالاهای تولیدی بدلیل گرانی سرسام‌آور و نداری میلیون‌ها انسان محروم، موقعیت و گردش سرمایه را به مخاطره انداخته است و دارد حاکمیت قدرت‌های بزرگ جهانی را به خطر می‌اندازد. بدون کمترین تردیدی دلیل این‌همه نابسامانی‌ها و از هم پاشیدگی‌ها آشکار است و به اثبات رسیده است که مناسبات و سیاست‌های حاکم بر جهان کنونی بیش از این کارکرد ندارد و نمی‌توان بنیه‌های جامعه را با تعرض به سفره‌ی ناچیز کارگران و زحمت‌کشان بنا ساخت؛ نمی‌توان تا ابد با چماق و زور، مطالبات بحق کارگری - توده‌ای را پس زد و سیاست‌های تخریبی خود را به پیش بُرد. مخالفت‌های علنی و به چالش کشیدن حاکمان جهانی و بویژه دولت‌مردان امریکائی را می‌توان به عریان در همه‌جا دید. حضور هزاران نفر در "وال استریت" نیویورک و بستن آن توسط مخالفین سیاست‌های "ریاضت کشی" و دستگیری بیش از هفت‌صد تن از تظاهرکنندگان توسط ارگان‌های مسلح حافظ سرمایه و در همان آغازین تظاهرات، نمایانگر اوضاع وحیمی‌ست که جهان سرمایه‌داری با آن دست به گریبان می‌باشد.

پر واضح است که دلیل چنین امری به شکاف عمیق طبقاتی بر می‌گردد و مردم ناتوان از تهیه‌ی پائین‌ترین نیازهای اولیه‌ی زندگی‌اند و هزاران جوان فارغ‌التحصیل بیکاراند. مردم مخالف سرازیر شدن سرمایه‌های مملکتی به حلقوم جنگ‌های حانه خراب‌کن و تخریب زندگانی جوامعی غیر خودی‌اند و خواهان قطع فوری آن و خروج نیروهای نظامی امریکائی از افغانستان، عراق و دیگر نقاط جهان‌اند. تداوم تظاهرات در نیویورک، واشنگتن، پورتلند، آستین، آتلاین و لولس آنجلس و دیگر شهرهای امریکا گواهی چنین ادعایی‌ست و به اثبات رسیده است که نمی‌توان میلیون‌ها انسان را مرعوب سیاست‌های ضد انسانی و منفعت‌جویانه‌ی خود نمود و نظم دل‌خواهی خود را به آنان تحمیل نمود؛ نظمی که میلیاردها انسان محروم در مقابل‌اش به

صف شده‌اند و خواهان تغییر آند؛ نظمی که کمترین هم‌حوانی‌ای با منفعت کارگران، زحمت‌کشان، جوانان، زنان و محرومان ندارد و رسالت‌اش تخریب زندگانی انسان‌هاست.

بنابراین تا زمانی‌که این نظام‌ها بر سر کاراند، چشم‌اندازی در بهبودی اوضاع در هم ریخته و وخیم میلیاردها انسان رنج‌دیده جهان و همچنین کارگران و زحمت‌کشان امریکا نیست و معین است‌که بانی بیکاری پانزده میلیونی و فقر پنجاه میلیونی و وجود هزاران کودک کار و غیره در امریکا، دولت‌مردان کنونی‌اند و باید به زیر کشیده شوند تا روند تخریب زندگی و نداری انسان‌ها خاتمه یابد و نظامی بر سر کار آید تا از منافع کارگران و زحمت‌کشان حفظ و حراست نماید. تنها در پرتو چنین نظام‌ها، یعنی نظام‌های متعلق به میلیون‌ها انسان رنج‌دیده است‌که جامعه از شر نداری و کودکان کار و بیکاری‌سازی انسان‌ها خلاصی خواهد یافت و سرمایه‌های مملکتی تماماً در خدمت به رشد و شکوفائی جامعه قرار خواهد گرفت. این آن جامعه‌ی مطلوبی‌ست که میلیاردها انسان محروم خواهان آند.

اکتبر 2011

آبان 1389